«رسالت» به بهانه هفته سالمندی گزارش می‌دهد

حمایت از سالمندان، الزام اجتماعی

سالخوردگی یک پدیده اجتماعی است که همچون شمشیری دولبه می‌تواند به‌عنوان فرصت یا تهدید جامعه را درگیر خود کند و آگاهی و شناخت کامل، این پدیده را به ظرفیتی عظیم مبدل خواهد کرد. در این مسیر «سالمندی پویا یا سالمندی فعال» مقوله مهمی است که در جهان امروز با هدف استفاده از ظرفیت‌های آنان در جنبه‌ها و جهات مختلف، محور اصلی برنامه ریزی هاست. قشری از جامعه که شناخت کامل پتانسیل و توانمندی‌هایشان می‌تواند ایشان را از حالت فرسودگی و ازکارافتادگی به یک سرمایه راهگشا و ارزشمند اجتماعی مبدل سازد.

تحقق سالمندی پویا و استفاده از ظرفیت‌ها و توان آنان، مستلزم برنامه ریزی پیشگیرانه و آینده نگرانه قبل از رسیدن فرد به این مقطع از زندگی است. این برنامه ریزی هدفمند در گروعزم هماهنگ میان تمامی دستگاه‌های متولی است. در چنین شرایطی فرد سالمند گرچه بازنشسته تلقی می شود اما همچنان توان ادامه زندگی اجتماعی مؤثرومفید را دارد ومی توان تجارب ودانش آنها را برای کمک به جامعه و نسل جوان به کار گرفت.

میزان متوسط کنونی سالمندی در جهان ۱۲ درصد اعلام شده است حال آن که میزان سالمندی در کشوری مانند ژاپن بیش از ۳۰ درصد است، علیرغم این مسئله، همگان ژاپن را به‌عنوان یکی از توسعه یافته‌ترین کشورها می‌شناسند. میزان سالمندی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز بیش از ۱۶ درصد است و این کشورها هم جزء جوامع توسعه یافته قرار دارند و رمز موفقیت و توسعه یافتگی آنها بنا بر تأکید صاحب نظران برنامه ریزی برای داشتن سالمندی سالم است.

اما در ایران که اکنون جمعیت سالمندان بیش از ۱۰ درصد است و طی چند دهه آینده به ۳۰ درصد می رسد، سرعت برنامه ریزی برای مدیریت این روند از نظر کیفیت و ارتقاء سالمندی سالم بسیار کمتر و آرام‌تر است. چنانچه از امروز برای این مسئله برنامه ریزی نشود، به طور قطع فردا دیر است. سالمندی به معنای دقیق کلمه همان قدر که یك مسئله و تهدید است، راه حل و فرصت نیز به شمار می رود. ابتدا به تهدیدها باید توجه کرد. مسئله معیشت و عدم کفاف حقوق های بازنشستگی مهم است. مسئله دوم، سلامت و درمان آنان است. عبور از سنین مشخصی افراد را در تله بیماری های مزمن و حتی گران درمان می‌اندازد که از طریق بیمه‌های سلامت و درمان باید به آن پرداخت. مسئله سوم و مهم اوقات فراغت و عبور از تنهایی است که افراد سالمند را درگیر خود می کند.

سوای موارد پیش گفته، آنها فرصت‌های مهمی نیز قلمداد می شوند، یکی از منابع نیروی کار مناسب، همین گروه اند که با افزایش مدت بیمه می‌توانند سال‌های بیشتری فعالیت کنند و این به نفع بیمه‌ها نیز خواهد بود و اینکه آغاز سالمندی را از ۶۰ یا ۶۵ سال در نظر بگیریم، با واقعیت نیروی انسانی موجود سازگاری ندارد. برخی از جوامع پیشرفته آغاز سالمندی را ۷۵ یا ۸۰ سال می دانند، زیرا پیش از این مقطع، افراد می‌توانند در بازار کار فعالیت کنند. ضمن آنکه برای بسیاری از افراد کار کردن تنها منبعی برای کسب درآمد نیست. بلکه داشتن فعالیت اقتصادی علاوه بر درآمدزایی احساس کارآمدی و اثرگذاری ایجاد می کند و در طولانی مدت باعث می‌شود که افراد هویت خود را تا حد زیادی با شغلشان تعریف نمایند. در این شرایط بازنشسته شدن می‌تواند خلأ عمیقی را در وجود فرد ایجاد کند. به طوری که بسیاری از افراد پس از بازنشستگی احساس می کنند زندگی آن ها معنایی ندارد.

براین اساس به سالمند نباید به‌عنوان قشر آسیب‌پذیر و بار اجتماعی نگریست، بلکه بایسته است به‌عنوان منبع تحول و تکامل اجتماعی در فعالیت‌های مختلف شراکت داده شوند. حق مسلم آنان است که یک زندگی ارزشمند با حفظ کرامت و امکان دستیابی به استانداردهای کیفی داشته باشند. باید منابع اجتماعی به گونه‌ای تخصیص یابد که در صورت بروز هر مشکلی، به شکل کامل و عادلانه‌ای با حمایت از سوی اعضای خانواده، جامعه و دولت به آن منابع دسترسی داشته باشند. دستیابی به امنیت و آرامش برای سالمندان یک فرآیند اجتماعی و مستلزم مشارکت تمامی بخش‌های مرتبط با این قشر از جمله؛ گروه‌های دولتی موظف و مسئول، اعضای خانواده، گروه‌های اجتماع محور، حمایت‌های قانونی و حقوقی در سطح کشوری است. با بررسی کشورهای پیشرفته جهان در می یابیم که این جوامع بیشترین حمایت را از سالمندان انجام داده‌اند و سه مؤلفه امنیت درآمدی، وضعیت سلامت، توانایی و ایجاد فضایی که سالمند برای انجام مستقل فعالیت روزمره به آن نیاز دارد، مورد توجه قرار گرفته است.

از این رو، «سیاست دولت سوئد این است که سالمندان در این کشور بتوانند به شکل مستقل و بدون نیاز به کمک دیگران زندگی مطلوبی داشته باشند. در این زمینه خدمات اجتماعی برای سالمندان در سه سطح مختلف در نظر گرفته شده است. سطح اول این که دولت سوئد و پارلمان این کشور، اهداف سیاست‌های اجتماعی سالمندان را از طریق ارائه قوانین و تعیین بودجه لازم معین می کند. سطح دوم این که انجمن‌های محلی وظیفه تهیه و تدارک مراقبت‌های بهداشتی و دارویی و همچنین ارائه خدمات نگهداری سالمندان را بر عهده دارند. سطح سوم هم این که ۲۹۰ واحد فعال در شهرداری‌ها وظیفه ارائه خدمات مراقبتی، بهداشتی، پرستاری، حمل و نقل، مسکن و موارد دیگر را بر عهده دارند. مطابق آمارها، ۸۷ درصد از سالمندان در سوئد در شرایط و منازل استاندارد زندگی می کنند و از مستمری مبتنی بر حق بیمه، مستمری تضمینی، مستمری مبتنی بر درآمد و طرح بیمه‌های تکمیلی برخوردار هستند. سالمندان در این کشور همچنین از برنامه‌های بهداشتی و درمانی، تفریحی و ورزشی مطلوب نیز بهره می‌برند. شرایط درباره نروژ، دانمارک و فنلاند هم تقریبا به همین صورت است. دولت نروژ مانند سایر کشورهای اسکاندیناوی از جمله دولت‌های ناظر بر رفاه عمومی محسوب می‌شود. دولت‌های محلی و مرکزی مسئول نظارت بر مدارس، بیمارستان‌ها، مستمری بازنشستگان و خدمات اجتماعی هستند. خدمات رفاهی برای خانواده شامل خدمات درمانی، پرداخت به بیماران و ناتوانان، پرداخت مستمری و بیمه بازماندگان است. در دانمارک خدمات اجتماعی و سیاست‌های مربوط به خانواده برای تمام شهروندان فراهم است و بخش عمومی وظیفه دارد تا خدمات با کیفیت مطلوب را به شهروندان ارائه کند. در این میان سالمندان، کسانی که ناتوانی جسمی دارند، کودکان و بیماران را مورد توجه بیشتری قرار می دهند. این خدمات شامل سرویس‌های گسترده نگهداری، برنامه برای گروه‌های خاص، مستمری برای سالمندان، حقوق برای مادران، کمک های مالی به افرادی با ناتوانی خاص است.» (پژوهش خبرگزاری ایرنا)

مواردی که در نظام سیاست گذاری ایران مغفول مانده و به همن دلیل کارشناسان تأکید می کنند، مسئله سالمندی در صورت تداوم چالش‌های مرتبط با آن به پدیده‌ای بیرون افتاده در نظام اجتماعی ایران تبدیل می‌شود که نه دولت خواهد توانست حمایت بسنده‌ای از سالمندان داشته باشد و نه خانواده‌ها دیگر توانایی حمایت و مراقبت از سالمندان را خواهند داشت.

در دهه‌های اخیر جامعه ایرانی شاهد دگرگونی‌های مهمی بوده که در کشاکش آن، مسئله سالمندی هم ظهور کرده و می‌تواند به یک چالش عمده در آینده تبدیل شود. شناخت و تحلیل سالمندی در ایران بدون توجه به تحولات اجتماعی در سطوح متعدد میسر نیست چرا که تجربه سالمندی به ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصاد سیاسی جامعه‌ای که سالمندان در آن زندگی می کنند، بستگی دارد.

مقالات علمی و پژوهشی متعددی در این ارتباط منتشر شده از جمله پژوهشی با عنوان «سالمندی در جامعه پرمخاطره؛ سویه‌های چالش برانگیز تجربه سالمندی»[1] که «شیوا پروایی» دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران به رشته تحریر درآورده است. نویسنده در این مقاله با بهره گیری از پژوهش کیفی و نیز مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با سالمندان و برخی از متخصصان حوزه سالمندی، تحلیلی از وضعیت اجتماعی سالمندان ارائه کرده است که بخش‌هایی از آن به شرح ذیل است:

نقش سیاست‌های اجتماعی و حمایتی دولت در کیفیت زندگی یا طردشدگی سالمندان بسیار تأثیرگذار است. این سیاست ها می‌تواند موقعیت سالمندان را در حاشیه قرار دهد یا کیفیت زندگی مطلوبی را برای این قشر فراهم کند.

نظام بازنشستگی نامطمئن و ضعیف به معنای سهم کمرنگ مساعدت اجتماعی در پشتیبانی و حمایت از سالمندان است. دولت در وضعیت تورم اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی بین المللی به تدریج مجبور به کاهش هزینه‌های رفاهی و اجتماعی است و اقدام‌های سیاستی در راستای عقب نشینی دولت از خدمات اجتماعی و رفاهی و واگذاری به بخش‌های خیریه‌ای و مردمی پیش می رود.

چالش های بازنشستگی در مقوله‌هایی مانند نابرابری در حقوق‌ها، عدم کفایت مستمری‌های بازنشستگی مشکلات معیشتی و اشتغال مجدد بازنشستگان و عدم کفایت خدمات درمانی مانند سهم محدود دولت در هزینه‌های بیمه‌ای، پوشش محدود بیمه‌های تکمیلی، فقدان بیمه‌های مراقبتی سالمندان و غیره نمایان است. ضعف و کاستی نظام حمایتی نیز در نبود پوشش فراگیر، فقدان مستمری اجتماعی سالمندی، کفایت پایین مستمری‌های حمایتی، حمایت غیرهدفمند و رفاه خیریه‌ای و خصوصی دیده می‌شود. همه این ها حکایت از سهم محدود دولت در هزینه‌های اجتماعی و رفاهی و ناامنی نظام تأمین اجتماعی دارد.

مبتنی بر اصل بیست و نهم قانون اساسی، تأمین بازنشستگی و مستمری پیری از حقوق شهروندی محسوب شده در حالی که در ایران بازنشستگی همچون کالایی است که فرد باید در دوران زندگی شغلی در پرداخت حق بیمه مشارکت کند. مستمری دوران پیری نیز تحت عنوان مستمری اجتماعی سالمندی نامیده می‌شود که در ایران وجود ندارد. در اصل بیست و یکم قانون اساسی هم به ایجاد بیمه خاص زنان سالخورده اشاره شده است در حالی که این بیمه اجتماعی در کشور وجود ندارد.

دولت در مواجهه با سالمندان قادر به تأمین خدمات رفاهی مکفی نیست و همچنان که اشاره شد اقدامات سیاستی در راستای گسترش رفاه خیریه‌ای و واگذاری خدمات به بخش خصوصی و مردمی پیش می‌رود. در این زمینه عقیده پیروان گسترش فعالیت‌های مردمی این است که با توسعه فرهنگ خیرخواهانه و نیکوکاری و به موازات رونق بخش خصوصی، از هزینه‌های انتقالی دولت کاسته می‌شود و بخش عمده‌ای از نیازهای جامعه در حوزه‌های رفاهی مختلف که بار سنگینی بر دوش دولت است، به نهادهای مردمی و خود مردم واگذار می‌شود.

واقعیاتی از سالمندی

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد سالمندان طبقات تهیدست در اقتصاد تورمی و بی‌ثبات، اسیر پیامدهای اجتماعی تورم مانند فقر معیشتی، سبک زندگی ضرورت محور و پیامدهای کالایی شدن سلامت می‌شوند. این چالش‌ها بر کیفیت زندگی سالمندان بسیار تأثیرگذار است به نحوی که می‌تواند سالمندی پرچالشی را برای سالمندان طبقات اجتماعی پایین رقم بزند چرا که سالمندی یک تجربه اجتماعی و نابرابر است. در نتیجه، بیشترین آسیب‌ها به سالمندان طبقات تهیدست تحمیل می‌شود و زیست آنها در شرایط اقتصادی امروز دشوار است.

اگرچه گروه سنی بالای ۶۵ سال جزء جمعیت در سنین کار و فعالیت اقتصادی محسوب نمی‌شوند اما برخی کهنسالان تنها منبع درآمد دیشان «کار» است. در این میان، شرایط نظام اقتصادی کشور، بسیاری از سالمندان بازنشسته (به ویژه جامعه کارگری و کارکنان سطوح پایین دولت) را نیز مجددا وارد بازار کار کرده است؛ این سنخ از سالمندان برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و معیشتی، یا در بازار کار غیررسمی و مشاغلی چون رانندگی، دستفروشی و فعالیت‌های خدماتی و یا بازار کار رسمی اشتغال دارند.

البته سن بازنشستگی با سن امید به زندگی در ایران که ۷۶ سال است اختلاف زیادی دارد و جدا از دغدغه تأمین معیشت و نبود نظام جامع تأمین اجتماعی؛ میل به حضور در اجتماع و انتقال تجربه و هزار و یک دلیل دیگر عواملی هستند که همواره بازنشستگان را به بازار کار برگردانده است.

کشورهای توسعه یافته برنامه ریزی های اجتماعی و تغییرات سیستمی مرتبط با حوزه‌های کار و رفاه اجتماعی خود را به گونه‌ای تعریف و بازتعریف کرده‌اند که با نگه داشتن جمعیت بالای ۶۰ سال خود در بازار کار و تولید، هم بحران مستمری را از سر دور کنند و هم نشاط و طراوت زندگی را در بخش بزرگی از جمعیت کشورشان با حفظ تأثیرگذاری اقتصادی - اجتماعی آنها تأمین کنند. اگر این موضوع در ایران مورد توجه قرار نگیرد، کشور با یک هیئت گسترده پارک نشین و مبتلا به بیماری‌های جسمی و روحی مواجه خواهد شد که می‌تواند به بخشی از بحران جمعیتی آینده تبدیل شود؛ بحرانی که بی شک تبعات اقتصادی و اجتماعی آن فراتر از تأمین هزینه‌های درمان و مستمری است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد در شرایط اقتصاد تورمی، علاوه بر مشکلات معیشتی سالمندان، سبک زندگی ضرورت محور در شکل حذف مصرف فراغتی و کاهش تعاملات خانوادگی غلبه پیدا می کند. به عبارت دیگر، سالمندان در چنین شرایطی به دنبال تأمین نیازهای ضروری هستند و از دیگر جنبه‌های زندگی مانند مصرف فراغتی و یا حتی تعاملات خانوادگی چشم پوشی می کنند.

کالایی شدن سلامت نیز برای سالمندان به عنوان مصرف کنندگان اصلی خدمات درمانی، پیامدهای زیادی به همراه دارد. برای مثال می‌توان به تفاوت طبقاتی در برخورداری از سلامت و احساس محرومیت طبقاتی، ناتوانی مالی تهیدستان و روی آوری به خوددرمانی و حتی حذف سلامت از سبد مصرفی تهیدستان اشاره کرد.

در چارچوب تغییراتی که ظرف چند دهه اخیر به وقوع پیوسته، روابط خانوادگی از روند فزاینده کالایی شدن مصون نمانده است و سرایت مناسبات اقتصادی به جامعه و گسترش ارزش‌ها و مناسبات بازاری و سیطره منطق اقتصادی، خانواده‌ها را در برابر سالمندان کم توان می‌سازد.

تحت تأثیر تغییرات اقتصادی، حاکمیت مناسبات بازاری به سپهر حیات خانوادگی نیز ورود پیدا کرده، خانواده را ناایمن ساخته و تغییراتی را در تعاملات خانوادگی بین نسلی نمایانده است؛ سالمند در درون چنین مناسباتی احساس تنهاشدگی دارد و به شدت از قرارگیری در معرض خشونت می‌هراسد.

درچنین میدانی، روابط و تعاملات بین اعضای خانواده نه براساس عاطفه و محبت و تعهد، بلکه بر پایه داشته‌ها و سرمایه‌های طرفین رابطه تنظیم می‌شود، فردگرایی خودخواهانه رشد می‌کند و افراد به یکدیگر عمدتا به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف مادی خود می‌نگرند و تعاملات و مناسبات خانوادگی گاه به سوی پولی شدن پیش می‌رود و هر آن چیزی مهم می‌شود که منفعتی برای فرد در پی داشته باشد.

زنگ خطرِ سالمندی در جامعه پرمخاطره

یافته‌ها نشان می‌دهد سالمندی در کشاکش تغییرات اجتماعی در مسیر افت و خیزهایی قرار گرفته است. با الهام از نظریه اولریش بک (جامعه شناس آلمانی درگذشته در سال ۲۰۱۵) این وضعیت را می‌توان تحت عنوان سالمندی در جامعه پرمخاطره قلمداد کرد. سالمندی در جامعه پرمخاطره، یعنی جامعه‌ای که با تغییرات اقتصادی و همچنین تغییرات اجتماعی و فرهنگی و فقدان نهاد دولت به مثابه نهاد اجتماعی و حمایتگر، در مجموع به جهانی پرمخاطره در زندگی شغلی، خانوادگی و تعاملات بین نسلی تبدیل می‌شود و در چنین جامعه‌ای، سالمندان طبقات تهیدست بیش از همه آسیب می‌بینند.

در جامعه پرمخاطره، نظام بازنشستگی ضعیف و ناامن (نابرابری و عدم کفایت مستمری‌های بازنشستگی، عدم کفایت خدمات درمانی) و فقر نظام حمایتی (فقدان پوشش فراگیر، کفایت پایین مزایا، حمایت غیرهدفمند، رفاه خیریه‌ای و خصوصی) از مهمترین ویژگی‌های سیاست‌های اجتماعی سالمندی است.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد فقدان حمایت دولتی نظام تأمین اجتماعی نامطمئن، کالایی شدن سلامت، فقدان مستمری اجتماعی سالمندان و دیگر ویژگی‌هایی که ذکر شد، برخی از نشانه‌های سیاست اجتماعی سالمندی در ایران است.

همه این نکات نشان می‌دهد سالمندی به پدیده بیرون افتاده‌ای در نظام اجتماعی ایران تبدیل شده است که نه دولت می‌تواند حمایت بسنده‌ای از سالمندان داشته باشد و نه خانواده‌ها توانایی حمایت و مراقبت از سالمندان را دارند. در نتیجه خطر افتادنِ سالمندی به دست اقتصاد بازار وجود دارد.

بیرون افتادگی از کلیت ساختار اجتماعی و اقتصادی و تبعیت از منطق اقتصادی و درنتیجه سلطه مناسبات بازاری می‌تواند سالمندی را به یک چالش اجتماعی در جامعه مبدل کند و زندگی روزمره سالمندان را در بسیاری از قلمروهای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی متأثر سازد. بنابراین زمانی که بسترها و زیرساخت‌های اجتماعی آماده نباشد سالمندی می‌تواند به تجربه‌ای پرمخاطره تبدیل شود.

پی‌نوشت

۱- پروائی، شیوا، «سالمندی در جامعه پر مخاطره؛ سویه های چالش برانگیز تجربه سالمندی»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، سال هفدهم، شماره ۲۴. بازنشر در خبرگزاری دولت

آگهی ابلاغ مفاد رأی صادره از طرف هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب سال ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۵۹۶۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی، املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تصرفات مالکانه جابر دیدبان فرزند قنبر به صورت بلا معارض مقتاضی آگهی یک باب خانه به مساحت ۹۸/۳۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۷۷ فرعی از ۵۰ اصلی واقع در شهریار محرز گردیده که برای آن پلاک ۱۳۷۲۷ فرعی از ۵۰ اصلی اختصاص یافته است و برابر محتویات پرونده ثبتی ودفاتر املاک مربوطه شد ناني یک قطعه باغ بشماره ۲۷۷ فرعی از ۵۰ اصلی با حقابه از رودخانه کرج مطابق معمول محل واقع در کرشته شهریار که مورد ثبت قبلا مفاد پلاک از باغ پلاک ۲۷۷ فرعی بوده بنام مرتضی درخشان ثبت وسند مالکیت بشماره چاپی ۲۳۹۵۳ سری ب صادر وتسلیم شده است سپس برابر سند ۲۵۵۸ مورخ ۶۹/۵/۲۲ دفتر سی شهریار به محمد سیروش اندروخی انتقال یافته است ومقادیری در اجرای ماده ۱۴۷ قانون ثبت به غیر انتقال یافته است وضعیت ثبتی جهت انتقال اجرائی به دفتر خانه اعلام گردیده است ودر ضمن ملک مربوطه از مالکیت محمد سیروش اندروخی می باشد که نامبرده در هیأت حضور نیافته و هیأت مقرر نموده با اعمال ماده ۳ قانون مذکور و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ نسبت به صدور سند مالکیت به نام متصرف فوق الذکر اقدام شود لذا بدینوسیله مفاد رأی صادره به نامبرده و به اشخاص ذینفع جهت اطلاع در دو نوبت با فاصله پانزده روز آگهی می گردد که چنانچه به مفاد رأی صادره اعتراض دارند اعتراض خود را ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تسلیم و رسید دریافت دارند و در صورت عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر این اداره نسبت به صدور سند مالکیت وبرابر مقررات اقدام خواهد نمود. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف ۱۰۷۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار

==========

آگهی ابلاغ مفاد رأی صادره از طرف هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب سال ۱۳۹۰/۰۹/۲۰

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۱۰۵۷۰۰۵۹۵۷ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ صادره از هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی، املاک و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تصرفات مالکانه طیبه دهقان فرزند نصرالله به صورت شش‌دانگ یک قطعه باغ با اعیان احداثی به مساحت ۳۳۸/۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۹ فرعی از ۶۲ اصلی واقع در شهریار محرز گردیده که برای آن پلاک ۴۹۳۹ فرعی از ۶۲ اصلی اختصاص یافته است و برابر محتویات پرونده ثبتی ودفاتر املاک مربوطه سیصد و سی و هشت ممیز هفت دهم سهم مشاع از هفت هزار سهم یک قطعه زمین بشماره ۵۹ فرعی از ۶۲ اصلی بمساحت هفت هزار مترمربع ذیل ثبت ۳۱۴۴۱۵ صفحه ۱۰۱ دفتر ۲۲۴۸ بنام محمود ویسی ثبت وسند مالکیت صادر وتسلیم شده است ودر ضمن ملک مربوطه از مالکیت محمود ویسی می باشد که نامبرده در هیأت حضور نیافته و هیأت مقرر نموده با اعمال ماده ۳ قانون مذکور و ماده ۱۳ آئین نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ نسبت به صدور سند مالکیت به نام متصرف فوق الذکر اقدام شود لذا بدینوسیله مفاد رأی صادره به نامبرده و به اشخاص ذینفع جهت اطلاع در دو نوبت با فاصله پانزده روز آگهی می گردد که چنانچه به مفاد رأی صادره اعتراض دارند اعتراض خود را ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به اداره ثبت اسناد و املاک شهریار تسلیم و رسید دریافت دارند و در صورت عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر این اداره نسبت به صدور سند مالکیت وبرابر مقررات اقدام خواهد نمود. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف ۱۰۷۴۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

مهدی ناصری - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۶۶-۱۴۰۲/۰۶/۱۲ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدعلی پرورش انور فرزند علی اکبر به ش.ش ۱۹۲۹۷ صادره از بهار در شش‌دانگ یک واحد دامداری به مساحت ۱۳۰۰ مترمربع پلاک - فرعی از ۱۳۹ اصلی واقع در بخش چهار حوزه ثبت ملک بهار خریداری از مالک رسمی آقای علی ذبیحی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۶/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۱۲ م الف ۸۰۶

مهدی پهلوانروی

رئیس ثبت اسناد و املاک

==========

آگهی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات قانون تعیین تکلیف صدراشاره تصرفات مالکانه آقایان منصور فرهادی فرزند سعید و جعفر حسنی فرزند شیرعلی هرکدام نسبت به سه دانگ از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۰/۱۲ مترمربع از پلاک ۱۶۰۵۲ فرعی ۴۳- اصلی واقع در گاوازنگ بخش ۷ زنجان خریداری از محمد رفیعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به سه دانگ از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۲۰/۱۲ مترمربع از پلاک ۱۶۰۵۲ فرعی ۴۳- اصلی واقع در گاوازنگ بخش ۷ زنجان خریداری از محمد رفیعی محرز گردیده است نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۱۲

رئیس ثبت اسناد منطقه یک زنجان- علیرضا حسن زاده

==========

آگهی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز واز آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

خانم مریم حنفی به ش.ش ۶۵۰ کدملی ۰۷۴۸۶۴۶۷۰۱ صادره تایباد فرزند عبدالحق در شش‌دانگ یکباب منزل به مساحت ۳۳۳/۴۶ مترمربع پلاک شماره ۱۲۵۱ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد و از محل قسمتی از مالکیت شیراحمد کریمدادی و قسمتی از پلاک ** ۱۸۲-۱۴۰۲

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۶/۲۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۷/۱۲

م الف ۱۷۳۱

سرپرست ثبت اسناد و املاک تایباد- منصور فاضلی

==========

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی فرسنجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت بنام متقاضی صادر خواهد شد.

۱) خانم ریحانه ابوطالبی باقرآباد * فرزند حسین در شش‌دانگ مغازه مشتمل بر آپارتمان به مساحت ۶۶,۲۴ مترمربع پلاک شماره ۳ فرعی مجزی شده از ۱ فرعی از ۴۰۰ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان به آدرس خیابان شهید محمدی پورحسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی غلامعلی مظفری (۱۴۰۱۰۸۲۵)

۲) آقای محمدحسین بلوچی نسب قاسم آباد فرزند حسین در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۳,۷۰۹ مترمربع پلاک شماره ۲۷۸۱ فرعی مجزی شده از ۹۸ فرعی از ۱۹۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی علی آباد خان به آدرس: خیابان شهید مقیمی ۲۴ مترشهید بادپا حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی مهدی امین (۱۴۰۲۰۱۱۲۳)

۳) آقای عباس حسنی کبوترخانی فرزند علی در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۱,۶۰ مترمربع پلاک شماره ۳۱۱۲ فرعی مجزی شده از ۲۵ فرعی از ۱۹۱۳ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قلعه آباد بالا بر به آدرس خیابان سردار جنگل نبش کوچه ۵ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی محمد رضا حاجی زاده صراف (۱۴۰۱۰۱۴۰۲)

۴) خانم زهره عمونی فرزند محمد در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۲۷۵,۱۹ مترمربع پلاک شماره ۴۱۰۶ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به آدرس خیابان مدرس شمالی کوچه ۱۴ حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی ورثه علی معاون (۱۴۰۲۰۱۷۷)

۵) آقای محمد علی نژاد دهنوی فرزند علی در شش‌دانگ مغازه به مساحت ۳۱,۵۵ مترمربع پلاک شماره ۴۱۰۳ فرعی از ۱۸۱۷ اصلی واقع در بخش ۹ کرمان حوزه ثبت ملک رفسنجان اراضی قطب آباد به آدرس خیابان بسیج نبش میدان شهید صیاد شیرازی حسب استشهاد محلی از مالکیت مالک رسمی ورثه علی معاون (۱۴۰۲۰۲۰۶۹)

۶) آقای علی ع